



(مرکز تهران)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان: فرهنگ تلمیحات و اشارات در پنجاه قصیده ناصر خسرو  
(از قصیده ۵۱ تا قصیده ۱۰۰)

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی (M-A)

نگارش: **فریدین شیراوند**

استاد راهنما: **دکتر علی محمد پشت دار**

استاد مشاور: **دکتر فاطمه کوپا**

بهمن ۱۳۸۷

## تقدیم و سپاس

با ادای احترام و سپاس نسبت به همسرم که در تمام مراحل زندگی حامی و پشتیبان من بوده است، از خداوند متعال توفیق و سعادت برای ایشان خواهان و خواستاریم.

همچنین تشکر از فرزند عزیزم که در برابر بسیاری از سختی‌ها صبر و تحمل را پیشه نمودند، و با تشویق و ترغیب، اینجانب را به ادامه تحصیل دلگرم کردند.

فردین شیراوند

## سپاسگزاری

از آن جا که بر هر فرد ایرانی فرض است که در جهت پیشرفت جامعه بشری و به ثمر رساندن اهداف مقدّس، گام فراخور حال خود و مفید برای اجتماع بردارد لذا با همین انگیزه این نوشته را هر چند کوچک و ناچیز ولی در راه هدفی بس بزرگ به دانش پژوهان و جویندگان راه کامیابی تقدیم می دارم.

در پایان از کلیه عزیزانی که در نگارش این پایان نامه یاری رسان من بودند، بخصوص استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی محمد پشت دار که با عنایت بی دریغ، ملاحظات عالمانه، و کمک های بی شایبه خویش بنده را یاری فرمودند، تشکر و قدردانی به عمل می آورم.

فردین شیراوند

## فهرست مطالب

عنوان	
چکیده.....	۱
پیشگفتار.....	۲
مقدمه.....	۶
شیوه نامه.....	۱۵
کلیات.....	۱۷
فصل اول- داده های پژوهشی.....	۲۲
فصل دوم- تلمیحات.....	۳۰
فصل سوم- اشارات.....	۸۳
فصل چهارم- نتیجه گیری.....	۱۵۶
نمودار واژه ها.....	۱۵۹
منابع.....	۱۶۰
چکیده لاتین.....	۱۶۲

## چکیده

رساله ای که پیش روی دارید گزینش و گزارشی از فرهنگ تلمیحات و اشارات پنجاه قصیده منتخب از قصاید دیوان ناصر خسرو است.

شعر ناصر خسرو در واقع شعری خردمندانه است که احساسات و عواطف در آن زیر نفوذ خرد و قوانین اخلاقی

ویژه قرار دارد. از ویژگیهای وی صور خیال در شعر توجه به تلمیحات بهره گیری از مجازها و تشبیهات

خاص قرآن به کارگیری واژه ها و ترکیبات فصیح کهن که به شعر او قداست می بخشد.

ادبیات برای ناصر خسرو وسیله ای است در خدمت عقاید و باورهای دینی. در نتیجه اثری که می آفریند

اثری کلامی است و آیات قرآن احادیث مذهب و فرق در گفتار وی فراوان است.

**کلید واژه ها:** دیوان ناصر خسرو اشارات تلمیحات.

## پیشگفتار

شعرم بخوان و فخر مدان مر مرا به شعر

دین دان نه شعر فخر من و هم شعار من

( ق . ۴ . ب ۱۴۰ )

هدف این تحقیق بررسی ابعاد تلمیحات و اشارات مورد استفاده ناسر خسرو قبادیانی در پنجاه قصیده دیوان اشعار این شاعر نامی می باشد.

در آغاز کار با مراجع و مأخذ تازه آشنا شدم که برایم تازگی داشت تا با مراجعه به کتابهایی مانند : شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو به جستجوی اشارات و تلمیحات بکار رفته در ابیات قصاید پرداختم و هر چه در این زمینه تلاش نمودم به نیازم برای تبیین بیشتر اشارات و تلمیحات به کار رفته در قصاید دیوان او افزوده می شد ؛ زیرا این شاعر که عقاید خود را در شعر و شاعری به جد مد نظر داشت و حاضر نبود برای کسب معاش (( شعر و شاعری )) را و (( سخن و سخنوری )) را که ارزش آسمانی داشت نثار هر دون و ظالم مفتون به شراب و کباب و رباب بنماید ، بنابراین مسیر شعر و شاعری را تغییر داد و خود در این راه تا پایان عمر استوار و مصمم پیش رفت . آنجا که فرموده است :

حکمت بشنو ز حجّت ایراک او هر گز ندهد پیام درگاهی ( دیوان ق ۴۷ ب ۲۲ )

و ناصر خسرو ، لوا بردار و غم خوار زبان مادری ، زبان شناس و داننده زبانهای مختلف زمان خویش با خود آموزی و درس خوانی زبانهای عربی و یونانی را خوب هضم کرده بود . چنانکه در خصوص آموزش و پژوهش زبانهای دیگر و مآخذ دینی و عرفانی غیر مسلمان ، این دانشمند چنین نگاشته است : (( و آنچه در زمان من بود از فقه و اصول اقل او اکثر را به مطالعه ضبط کردم و نهصد تفسیر به نضر زدم . و در این مدت پانزده سال دیگر گذشت . بعد از آن به دانستن زبان ثلاثه شروع کردم یعنی تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود علیه السلام . . . ))

معلم اول شمس القیس ، معلم دوم شیمورانیس ، معلم سوم بطلمیوس . . . و بعد از این چون جمله را گرداندم ، علم ایمان . . . و مذهب در ضمیر و باطن و به حکمت و منطق و احکام الهی طبیعی و قانون اعظم و طب و علم ریاضت و علم سیاست . . . با این حال می توان خلاصه کرد که آموزش و پژوهش مآخذ و ارزشهای تمدن اسلامی ، نصرانی و بودایی و غیره و همچنین عقائد این حکیم و تصویر و توضیح مسائل به زبان فارسی در قصاید ناصر خسرو انعکاس یافته است .

این هم قابل توجه است که دانشمند جهانگرد و جهان شناس غایه مندرجه کتابهای الهی را همبسته و هممرسته شمرده و تفاوت اساسی را در کاربرد زبانها می شمارد . این نظر بشر دوستانه ناصر خسرو با چنین سخنانی عامه فهم افاده شده است :

(( میان تورات و انجیل و قرآن به معنی هیچ اختلاف نیست مگر به ظاهر لفظ مثل و رمز خلاف هست . پس میان رومیان انجیل است و میان روسیان تورات و میان هندوان صحوف ابراهیم . )) (ناصرخسرو)

زبان دانی و زبان شناسی ناصر خسرو بر پایه دو زبان مشهور خاور زمین یعنی زبان عربی و زبان فارسی که لفظ مادری و اجدادی دانشمند محسوب می شد ، بسیار نمایان و عبرت آموز است ، زیرا کشفیات و ایجادگری ناصر خسرو به هر دو زبان صورت گرفته است . خود متفکر با کاربرد زبان فارسی خود را با افتخار پیرو رودکی و عنصری می شمارد لیک در بابت استفاده زبان عربی دانشمندان عربی زبان حسان و بحتری را یاد می نماید :

این فخر بس است مرا که به هر دو زبان                      حکمت همی مرتب و دیوان کنم

جان را ز بهر مدحت آل رسول                                      گه رودکی و گاهی حسان کنم

از موجودیت دو دیوان ، دیوان تاجیکی فارسی و عربی چنین بیت ادیب ذواللسان نیز گواهی می دهد:

بخوان هر دو دیوان من تا ببینی                              یکی گشته با عنصری بحتری را

سفرهای هفت ساله ناصر خسرو به کشورهای گوناگون زبان و مختلف مذهب ( ماوراء النهر ، ارمنستان ، حلب ، طرابلس ، شام ، سوریه ، فلسطین ، مصر ، تونس ، عراق ، سودان وغیره ) آموزش زبانهای مختلف را تقاضا می کرد .

حال چگونه می توانستم به عمق الفاظ بکار رفته در قصاید این زبان شناس اسلامی ، پایان نامه را به سرانجام رسانم که بر خود فرض می دانم همیشه قدر شناس زحمات کلیه عزیزانی که مرا در این امر خطیر یاری رساندند باشم و توفیق آنانرا در خدمت به علم از خداوند متعال در خواست می نمایم .



لازم به ذکر است، آنچه پیش روی دارید، بررسی اشارات و تلمیحات در پنجاه قصیده ناصر خسرو می باشد که در چهار فصل گردآوری شده است و نگارنده، در فصل اول به کلیات و اهداف تحقیق پرداخته، در فصل دوم بررسی تلمیحات و در فصل سوم به بررسی اشارات قصاید انتخابی از دیوان ناصر خسرو را مورد بحث و بررسی قرار داده و در فصل چهارم نتیجه گیری و فهرست اعلام و منابع را آورده است.

فریدین شیراوند

## مقدمه

خداوندی که در وحدت قدیم است از همه اشیا نه اندر وحدتش کثرت نه محدث زین همه تنها

(ق ۱. ب ۱)

در تاریخ شعر کهن فارسی که عموماً از قرن سوم هجری شروع می شود ، کمتر شاعری به آزادگی و علو طبع ناصر خسرو قبادیانی پیدا می شود . وی به سال ۳۹۴ ( ه . ق ) در قبادیان مرو از نواحی بلخ دیده به جهان گشود و در سال ۴۸۱ ( ه . ق ) در دره یمگان از نواحی بدخشان افغانستان فعلی دیده از جهان فرو بست . به هنگام تولد ناصر خسرو در خراسان غزنویان حکومت می کردند ، سلسله غزنویان به سال ۳۵۱ ( ه . ق ) در شهر غزنه به دست آلبتگین حاجب غلام دربار سامانیان با براندازی حکومت سامانی ، به حکومت رسیدند . اینهاهم از نژاد ترک بودند و در نزد سامانیان به سپاهیگری و امور نظامی اشتغال داشتند .)) ۱  
(ناصر خسرو)(مهدی محقق)

---

۱- یاد نامه ناصر خسرو ، ص ۳۳ ، ۳۴ ، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن ، دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۵۵ ، مجموعه مقالات حسین رزمجو ، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی ، ۲۱ انتشارات آستان قدس رضوی ، تیرماه ۱۳۶۶ ص ۷۷

قاهره دارالخلافة خلفای فاطمی مصر تنها جای قابل اعتماد برای اوست . فاطمیان به نام پیروی از اهل بیت و حضرت علی - علیه السلام - در آن سامان حاکمیت داشتند و با عباسیان و سلاطین سلجوقی هم سخت مخالف بودند . ناصر خسرو فریاد خواه به نزد ایشان میشود و بنا به گفته خودش به دست الموید فی الدین شیرازی به مذهب فاطمی در می آید . وی پس از مراجعت به خراسان با عنوان (( حجت )) شروع به تبلیغ مذهب فاطمیان می کند و در راه رساندن پیام خود که عموماً در قالب شعر و قصایدی غراست ، همواره داعی به تقوا ، عدالت ، آزادگی ، زهد ، علم ، خرد ، حکمت و دانش دینی ، طاعت یزدان و پیروی از خلفای فاطمی مصر است . در مقابل مردمان را از جهالت و بندگی حکام جور ، تملق و تزویر ، زهد فروشی ، دین فروشی و دل بستگی به زخارف دنیوی و . . . باز میدارد .

ناصر خسرو که خود را شیعه ای علوی با ایمانی راسخ و درست می داند ، علی وار بر بی عدالتی های حکام سلجوقی و خلفای عباسی بر میشود و در این راه و انجام دادن این وظیفه است که مبعوض دشمنی عام و خاص خراسان گشته ، سرانجام مجبور به ترک وطن و تبعید به دره یمگان میشود .

اشعار و قصاید ناصر خسرو ظاهراً حاصل ۲۳ سال تبعید و زندگی در یمگان است ، تبعیدی که تا پایان عمر وی یعنی ۴۸۱ ( ه . ق ) به طول می انجامد . وی در سراسر دیوان هیچ گاه رسالت تبلیغ و هدایتگری را فراموش نمی کند . شمشیر کلام او همواره ذوالفقار است ، با لبه ای بت می شکند و به افشای مظالم حکام ستمگر ، انحراف عالم نمایان درباری و فساد شاعران شعر فروش که به گمراهی مردم می پردازد و با لبه دیگر به ستایش باریتعالی و نعت پیامبر اکرم ( ص ) و امامان معصوم - علیهم السلام - گرفته تا ستایش ذوات ارزشمندی چون خرد ، دانش ، تقوا ، آزادگی ، مناعت طبع ، ایستادگی در برابر ستم می پردازد .

تلمیحات و اشارات او به هیچ روی چون شاعران شعر فروش خراسان (( مر این قیمتی در لفظ دری زا به پای  
خوکان نمی ریزد)) و ( محمود غزنوی را به زهد عمار و بوذر نمی ستاید ) . شعر او سراسر حکمت و دانش  
و پرهیز و آزادگی است . با این اوصاف ناصر خسرو در میان شاعران پارسی گوی اگر نتوان گفت بی نظیر  
، کم نظیر است . ناصر خسرو اساساً " شعر " را مرادف و مساوی " مدح دینی " و " پند " و " حکمت " و  
" زهد " میدانند ، و اگر شعرش بجز این معانی باشد از نظر وی شعر نخواهد بود حتی وقتی خود را شاعر  
میداند که " سخن و شعرش " مدح " آل عبا " باشد در غیر این صورت حتی از اطلاق عنوان " شاعر " به  
خود عار دارد .

شعرم بخوان و فخر مدان مرا به شعر      دین دان نه شعر فخر من و هم شعار من

( ب ۱۴۰ / ق ۴۰ )

ناصر خسرو به خاطر دارا بودن این نگرش به شعر و شاعری در سراسر دیوان به سخن خود تفاخر می کند.

شعر او (( در عین آمیختگی به حکمت ، صعب و بایسته و در بافته چون آهن )) است که خود گفته :

سخن حکمتی و خوب چنین باشد      صعب و بایسته و دریافته چون آهن

( ب ۱۷ / ق ۴۶ )

آری از آزاد مردی استوار و مقاوم در برابر سلاطین سفاک و خونریز سلجوقی و برچسبهای ناچسب عالم

نمایان درباری چنین سخنی " دریافته چون آهن " دور از انتظار نیست . به همین سبب است که (( در تاریخ

کهن هزار ساله ی فارسی ، ناصر خسرو قبادیانی نمونه ای از هنرمندان و شاعران مصمم و آزاده و متعهد است.<sup>1</sup> (ناصر خسرو) (مهدی محقق)

ناصر خسرو همانند هر مسلمان مومن به رسول اکرم (ص) در اطاعت و دوستی او ، به صحابه آن حضرت نیز ایمان و اعتقاد دارد . البته در این میان بعضی از آنها را بسیار ارج می نهد و برخی را نه می ستاید و نه نکوهش می کند و به بعضی هم در قالب کنایه و تعریض معترض است

دلیل عمده این مخالف همانا حوادثی است که در صدر اسلام پس از رحلت رسول اکرم (ص) بر سر مساله جانشینی آن حضرت رخ داده است . از این رو ستایش حضرت ختمی مرتبت (ص) به عنوان یکی از مضامین و مواد مهم شعر فارسی به ویژه در قالب قصیده ، با ناصر خسرو شروع نشده است اما وقتی کار به ناصر خسرو می رسد دو نکته وی را از دیگر شاعران در این عرصه متمایز میکند :

الف : - از نظر فنی و شکل در قالب قصیده با آوردن همین مضمون تحولی ایجاد می کند . بدین معنی که روال معمول قصیده فارسی که با تغزلی در وصف طبیعت وصل و هجران و وصف معشوق زمینی ... شروع می شد و با بیت تخلص شاعر به مدح ممدوحین غیر دینی گریز می زد ، از زمان ناصر خسرو به طور کلی تغزل به موعظه و پند و بیت تخلص ، گریزی به مدح و منقبت شخصیت‌های دینی و در راس آن مدح سید کائنات خواجه دو عالم حضرت محمد مصطفی (ص) و فرزندان به ویژه حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) شد .

ب : - نکته دوم ، که وجه اختلاف کار ناصر با منقبت گویان قبلی به ویژه کسایی مروزی است ، کمیت و شمار فراوان ابیات در این مضمون است . که تا آن هنگام - قرن پنجم هجری قمری - بی سابقه است .

در همه ی دیوان ، دو قصیده ی (۵۸) مشتمل بر (۴۰) بیت با ردیف " محمد " (ص) و قصیده ی (۵) از ملحقات مشتمل بر (۳۸) بیت با ردیف " ای رسول " به طور مستقل در مدح پیامبر اکرم (ص) است .

شماری از ابیات این بخش به واسطه اشتراک با عناوین اهل بیت ، آل عبا ، اهل عبا ، با نام مبارک حضرت رسول (ص) و نام حضرت علی (ع) در بخشهای مربوط به (( ستایش حضرت علی (ع) )) و (( ستایش اهل بیت )) هم آمده است . در تمام دیوان ناصر خسرو تنها قصیده ای که به طور کامل به مدح و ستایش علی (ع) پرداخته ، قصیده (۸۵) است و شمار ابیات آن (۴۷) بیت است . دیگر مدایح و مناقب به طور پراکنده در سرتاسر دیوان به مناسبتهای مختلف عموماً در مضامین و تعبیرات آمده است .

حضرت فاطمه (س) دخت گرامی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و همسر حضرت علی (ع) شخصیت اسلامی دیگری است که ناصر خسرو با تمام عشق و اعتقاد در دیوان ستوده است .

ناصر خسرو بر مذهب شیعه اسماعیلی است از این روی در دیوان خود ، پس از حضرت علی (ع) ، امام حسین (ع) ، امام حسن (ع) ، امام علی بن حسین (ع) (سجاد) ، اما باقر (ع) ، و امام صادق (ع) را ستوده است اما با آن که اسماعیلی است در همه جای دیوان وی حتی یک بار نامی از اسماعیل به عنوان فرزند امام صادق (ع) یا به عنوان رهبر و امام نیامده است .

ناصر خسرو با توجه به محیط تربیتی و اجتماعی آن روز مسلمانی است اهل علم و دانش به اصطلاح امروز ، تحصیل کرده ، از دانش های زمان اگر نگوئیم اطلاعاتی عالی دارد ، دست کم با اطلاع است .

به دنبال حقیقت است ، از کج روی ها و ناراستی های سیاسی و اجتماعی به ویژه آلت دست شدن دین و مذهب در دست صاحبان زر و زور و تزویر شدیداً رنج می برد ، فطرت پاک و حقیقت جو به او نهیب می زند که : (( برخیز و سفر پیش گیر )) هجرت کن . وی مطمئناً در اوضاع زمانه و حالات خود و حقیقتی که ماورای ظواهر است اندیشه ها و تفرس ها نموده ، چنانکه سطور آغازین سفرنامه او گواه این مطلب است : (( در ربیع الاخر سنه سبع و ثلاثین اربعما . . . به پنج دیه مرو الود فرود آمدم ، که در آن روز قرآن راس مشتری بود - گویند که هر حاجت که در آن روز خواهند باری تعالی و تقدس روا کند - به گوشه ای رفتم دو رکعت نماز بکردم و حاجت خواستم تا خدای تبارک و تعالی مرا توانگری حقیقی دهد .

۱

از مضامین مهم و پر ارجی که در دیوان ناصر خسرو به کرات به چشم می خورد و بارها از سوی وی ستایش شده " عقل " و " صاحبان آن " است .

خرد سوی هر کس رسول نهفته      که در دل نشسته به فرمان یزدان

خرد کو رسول خدایست زی تو      چه خوانده ست بر تو از این باب ؟ برخوان

(ق ۳۹ / ب ۳۵ / ۴۲)

دو بیت اخیر اشاره به این موضوع است که در گفتار معصوم امام موسی کاظم (ع) نیز انچنین آمده است :  
 (( ان لله علی الناس حجیتین : حجه ظاهره و حجه باطنه ، فاما الظاهره فالرسل والانبیا و الائمة علیهم السلام و

اما الباطنه فالعقول )) . ۲

دانش مورد نظر ناصر خسرو " دانش خدا شناسی و معرفت نفس است " که امام علی (ع) فرموده است : ((

من عرف نفسه فقد عرفه ربه )) . ۳

و ناصر خسرو آورده است :

از اول هستی خود را نکو بشناس و آنگاهی  
عنان برتاب از این گردون و زین بازیچه غبرا

(ق / اب ۳۲)

ارزش حقیقی انسان به همین قدرت " بیان " و " سخنوری " است و به قول ناصر مابفی یکسر " گل و ماده

" است و اساسا اصل وجود و فلسفه آفرینش انسان همانا " سخن است و بس ، چنانکه در حدیث منقول از

حضرت علی (ع) آمده است که آن حضرت فرمود : زیباترین چیزی که خدا آفریده است همانه " کلام "

است. (ناصر خسرو و ادب اعتراض ۲۶۸/۱۳۸۵)

---

۱ سفر نامه ص ۱ ناصر خسرو به کوشش محمد دبیر سیاقی زوار بهمن ۱۳۵۶ .

۲ محمد ری شهری میزان الحکمه ج ۶ دفتر تبلیقات اسلامی قم چاپ اول ۱۳۶۲ حدیث ۱۳۰۵۸ ص ۴۰۲

۳ میزان الحکمه ج ۶ ص ۱۴۲ حدیث ۱۱۹۲۳ سابق



ناصر خسرو فلسفه آفرینش انسان را با این دیدگاه چنین ترسیم کرده است :

(( تخم ما بی گمان سخن بوده است      خوبتر زین کسی نداد نشان

و آنچه او از سخن پدید آید      به سخن باشدش بقا و توان

به سخن مردم آمدست پدید      به سخن جان او رسد به جنان

سخن اول آن شریف خرد      سخن آخر آن عزیز قرآن

سخنت اول و سخنت آخر      سخنی خوب شو در این دو میان

(ق ۱۱۱ب ۴ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳)

در بیت اول (( تخم ما بیگمان سخن بوده است )) به اصل آفرینش انسان اشاره دارد که فعل خدا در حقیقت

قول خداست که با لفظ " کن " هستی هست شده است (( انما قولنا لشی اذا اردناه ان نقول له کن فیکون ))

۱ .

به عبارت دیگر سخن مقام بعد روحانی (عقلانی) انسان است که ناصر خسرو و در جای دیگر آورده است :

گل خواره تنست جانسخن خارست      جانت نشود ز گل چو تن کامل

جان را به سخن به سوی گردش کش      تن را با گل ز دل به یک سو هل

(ق ۱۲۶/ب ۱۵ و ۱۶)

و این دقیقاً منطبق با بینش قرآن درباره خلقت انسان است که تن او از خاک همین جهان آفریده شده است ((و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین)) ۲ که این ناظر بر بعد مادی انسان است و پس از اتمام ساختمان بدن در ادامه همین آیه فرموده است: ((ثم انشانا خلقا آخر)) ۳. واژه " انشا " در لغت عرب به معنای " ایجاد بی سابقه " است یعنی پس از خلق جسم او ، او را آفرینش دیگری آفریدیم که آفریدن ثانی ناظر بر بعد روحانی و آسمانی انسان است که در آیتی دیگر فرموده است: (( فاذا سویته و نفخت فیہ من روحی )) ۴. ( همین که او را پرداختم و از روح خود در آن دمی دم ).

در بیت چهارم (( سخن اول آن شریف خرد سخن آخر آن عزیز قرآن به این مطلب تصریح دارد که )) اول ما خلق الله العقل (( یعنی اولین " سخن " و اولین " مخلوق عقل است و آخرین " سخن " هم قرآن کریم که به قلب حضرت ختمی مرتبت (ص) نازل شده است

---

۳- مومنون/۱۴

۱- نحل/۱۴

۴- حجر/۲۹

۲- مومنون/۱۲

## شیوه نامه

پرداختن به ادبیات کهن حتی به کوتاهی و با اشاره ، بدون نام بردن از ناصر خسرو کاری ناپسند است ، زیرا جهت زبان دانی و زبان شناسی ، سخن ورزی و سخن آفرینی ، واژه شناسی و پایداری سبک این دانشمند ، تنها اشاره های جداگانه به نظر می رسند . حالا آنکه سر منشا غایت های انسان دوستی و انسان پروری ، پند و حکمت های سازگار زمان و دوران ناصر خسرو به زبان و اسلوب مردم پسند همبستگی قوی دارد.

لازم به ذکر است استخراج تلمیحات به صورت فرهنگ و همچنین روشهای کاربرد اشارات و تلمیحات در قصاید ناصر خسرو و تبیین اهداف فرهنگی او برای دستیابی به کاربرد علمی واژه های اخلاقی و تربیت فردی اجتماعی و ارتباط آن با آموزه های دینی سابقه چندان طولانی ندارد .

لذا انتخاب این موضوع و روش کاربردی آن به عنوان یک اقدام فرهنگی نو و بدیع مطرح است . و ما نیز در پی بررسی و توضیح مسائل و مباحث دینی ، اجتماعی ، تربیتی نهفته در قصیده های ناصر خسرو با بهره گیری از روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای (راهبرد ) و ابزار فیش برداری با استفاده از (( دیوان ناصر خسرو ( قصاید ) به تصحیح و شرح ( دکتر محقق و مجتبی مینوی چاپ دانشگاه تهران ) ) به این مهم اقدام می کنیم .

\_ مرور مطالعاتی

در این تحقیق به پنجاه قصیده از دیوان حکیم ناصر خسرو به تبیین اشارات و تلمیحات به کار رفته در ادبیات این قصاید توجه گردیده و در آن با استفاده از منابع به بیان معانی الفاظ فلسفی فقهی اجتماعی و اخلاقی عملی و با ذکر اعلام ، آیات و روایات به بررسی و تشریح نظرات شاعر در کاربرد تلمیحات و اشارات به عنوان هدف اصلی پرداخته ام . و پس از ذکر چکیده پیش گفتار و مقدمه با توجه به ترتیب مندرج قصاید در دیوان ، ابیات مورد نظر از هر قصیده آورده شده و در ادامه به بیان معانی الفاظ و ذکر آیات و روایات برای هر مورد مصداق ذکر شده و در پایان نتیجه گیری منابع واژه ها و اعلام و سپس چکیده لاتین آورده شده است .